

وظایف جنبش کارگری و سندیکایی در اوضاع حساس کنونی

وظایف جنبش کارگری و سندیکایی در اوضاع حساس کنونی: مبارزه با استبداد، نه به جنگ و تحریم، آری به صلح! پیش به سوی مبارزه^۱ سازمان‌یافته^۲ جنبش کارگری و پیوند آن با پیکار همگانی ضد استبدادی! افزایش تنش‌ها در منطقه و اعمال تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریک

خواست ارتقای دستمزد خواست روز دمکراتیک طبقه کارگر

به نقل از «نام» مردم»، شماره ۱۰۷۸، ۶ خرداد ماه ۱۳۹۸

افزایش تنش‌ها در منطقه و اعمال تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا همراه با ژرفش بحران اقتصادی- اجتماعی بر اثر اجرای برنامه‌های دیکته‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، در مجموع، وضعیتی بسیار دشوار برای زندگی و معیشت مردم میهن ما- به‌ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان- پدید آورده است.

جنبش اعتراضی زحمتکشان در ماه‌های اخیر به‌دلیل‌هایی کاملاً مشخص وارد دور تازه‌ای گردیده است. تجربه مبارزه^۱ هماهنگ و مشترک روز جهانی کارگر امسال با فراخوان از سوی شماری از تشکلهای مستقل و نهادهای مدافع منافع بازنشستگان و توده‌های محروم جامعه، نموداری از امکان‌های جنبش کارگری و سندیکایی و تقویت نسبی قدرت مانور آن در بطن تحولات پرشتاب و سرنوشت‌ساز سیاسی کشور بود. در این زمینه اعتصاب‌های چند روز گذشته در هیکو، پالایشگاه بیدبلند، کارخانه آذراب و نظایر آن از اهمیت فوق‌العاده برخوردارند و باید نسبت به آن‌ها توجه جدی داشت. ارزیابی‌ای کوتاه از روند پیکار جنبش کارگری این نتیجه را به‌دست می‌دهد که زمینه‌های عینی و ذهنی اتحاد عمل فراگیر برای تأمین حقوق کارگران و زحمتکشان و همچنین ارتباط

محکم‌تر جنبش کارگری و سندیکایی با مبارزه^۶ همگانی ضد استبدادی در قیاس با گذشته بیشتر فراهم گردیده و حرکت پر اُفت و خیز جنبش مطالباتی زحمتکشان برای خروج از حالت تدافعی و مجهز شدن به شعارهای مناسب، واقع‌بینانه و مبتنی بر نیازهای توده‌های کارگر تداوم یافته است. به‌این ترتیب و با استناد به تجربه چندین ماه گذشته، به‌ویژه از درس‌های ارزشمند دوره زمانی بین اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه، پولاد اهواز و هپکو گرفته تا اقدام به حضور و مبارزه^۷ مشترک در روز جهانی کارگر از سوی جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان در تهران در مقابل ساختمان مجلس را می‌توان یادآور شد. گرچه هنوز مشکلات جدی‌ای وجود دارند، مانع‌های ذهنی اتحاد عمل فراگیر در جنبش کارگری و سندیکایی در حال کم‌رنگ‌تر شدن است و می‌توان امیدوار شد که نیروهای راستین مدافع منافع کارگران با احساس مسئولیت بیشتری در راه اتحاد صف‌های خود در مبارزه با رژیم ولایت فقیه گام‌هایی استوار به‌پیش بردارند. عامل‌های بازدارنده ذهنی همواره در سالیان اخیر نقشی بسیار منفی در فعالیت جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما داشته‌اند. رژیم و ارگان‌های امنیتی آن نیز با تشخیص این ضعف، ایجاد تفرقه و پراکندگی در صف‌های جنبش کارگری را پیگیرانه تعقیب کرده و می‌کنند. در این زمینه رژیم کوشیده و همچنان می‌کوشد با ترفندهای گوناگون از اتحاد عمل، هماهنگی و مبارزه^۸ مشترک صف‌های جنبش سندیکایی مانع شود. پرونده‌سازی، دروغ‌پراکنی، تهدید، تطمیع، تخریب و نفوذ از زمره توطئه‌های ارگان‌های امنیتی‌اند. در این مورد توجه دقیق به سخنان خامنه‌ای در جمع نمایندگان دانشجویی وابسته به رژیم خالی از فایده نیست، به‌ویژه آنجا که خامنه‌ای تأکید می‌کند: "حمایت‌های مجموعه‌های دانشجویی از کارگران و ورود به نحوه واگذاری‌ها در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و ماشین‌سازی تبریز و یا مطالبه از سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت... اقدامات خوبی بود که انجام گرفت. ... در اجتماعات و مطالبه‌گری‌ها، سخن منطقی تأثیرگذار خواهد بود، من ضمن تأیید این‌گونه حرکت‌ها بر استمرار آنها تأکید دارم" [ایسنا، ۱ خردادماه ۹۸].

علاوه بر زدودن پیشداوری‌هایی ذهنی که حکم سد در برابر اتحاد عمل و مبارزه^۹ مشترک دارند باید توجه داشت که عامل‌های عینی متعددی زمینه‌های ژرف‌ترش مبارزات کارگری را در اوضاع کنونی آماده و فراهم می‌سازند. بحران اقتصادی که در درجه نخست ناشی از اجرای سیاست‌های ضد کارگری و ضد ملی‌ای مانند آزادسازی اقتصادی و

خصوصی‌سازی است سبب کاهش قدرت خرید خانوارهای کارگری بوده است. هم‌زمان با اعمال تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا اثر این سیاست‌ها نیز به فقر و فلاکت در جامعه دامن زده است. برپایه گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در ماه پایانی سال گذشته نرخ تورم نقطه به نقطه به ۴۷ درصد رسید و اقتصاد کشور نیز در رکود فرو رفت. در همین گزارش تأکید شده که در سال ۱۳۹۶ فقط ۱۶ درصد جمعیت ایران در خط فقر مطلق قرار داشتند، اما در سال ۱۳۹۷ این رقم به ۲۳ تا ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است. مرکز پژوهش‌ها در برآورد خود خاطرنشان می‌سازد که خط فقر در سال ۱۳۹۶ برای یک خانوار ۴ نفره در تهران در حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده است. این رقم در پاییز سال ۱۳۹۷ به حدود ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان رسید. همچنین سبد هزینه خوراکی برای دهک‌های پایین جامعه از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا پایان فصل پاییز همین سال حدود ۴۲ درصد رشد داشته است. روشن است که با این برآوردهای کارشناسانه و قیاس آن با میزان درآمد زحمتکشان، خانوارهای کارگری در چه وضعیت وخیمی در زمینه معیشت قرار دارند. خبرگزاری ایلنا، ۲۳ اردیبهشت‌ماه امسال، در گزارشی پیرامون شکاف هزینه-مزد کارگران، نوشت: «افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها به‌خصوص قیمت خوراکی‌ها در فروردین‌ماه ۹۸ تا چه اندازه سبد معاش حداقلی محاسبه شده در اسفندماه سال گذشته را متورم کرده است؟... این سبد تا انتهای فروردین‌ماه ۵۷ درصد افزایش قیمت پیدا کرده و برای حفظ قدرت خرید کارگران به بیش از ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان مازاد دستمزد نیاز است... در مجموع با محاسبات دقیق سبد معاش مشخص می‌شود هزینه‌های کارگران در فروردین ۹۸، بیش از ۲ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان افزایش یافته و بدیهی است که اگر این افزایش جبران نشود، معاش کارگران باز هم سقوط خواهد کرد.»

با توجه به قانون بودجه سال ۹۸ و ادامه اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی که انجماد دستمزد در دل آن صورت می‌گیرد، باید یادآور شد که هیچ‌گونه افزایش مزد یا به‌عبارتی جبران و ترمیم دستمزد برای حفظ و تقویت قدرت خرید خانوارهای کارگری را شاهد نخواهیم بود. این وضعیت بستر عینی رشد اعتراض‌های کارگری در پیوند با تحولات صحنه سیاسی کشور است. از این‌رو، آنچه در دستورکار قرار می‌گیرد، تشدید مبارزه با حفظ استقلال عمل طبقاتی در اوضاع بسیار بغرنج و حساس کنونی است. اما چرا تشدید مبارزه وظیفه مبرم و اصلی قلمداد می‌گردد؟ جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبش همگانی ضد دیکتاتوری بوده و هست.

ما پیشتر اشاره کردیم که رشد جنبش کارگری و سندیکایی و پویه خروج مبارزات از حالت تدافعی، ارتباطی تنگاتنگ یا به عبارت دقیقتری پیوندی دیالکتیکی با تحولاتی صحنه سیاسی و توازن نیرو در مبارزه طبقاتی در سطح جامعه ما دارد. در محیطی خفقانزده و زیر تیغ سرکوب ارگان‌های امنیتی، مبارزات و مطالبات صنفی طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی میهن ما به دلایل‌هایی عینی مضمون و ماهیتی سیاسی نیز دارند. گرچه اعتراض‌های طبقه کارگر و زحمتکشان بیشتر دربر گیرنده خواسته‌های صنفی‌شان است، اما این اعتراض‌ها در سرشت خود مبارزه‌ای واقعاً سیاسی با محتوایی آشکارا طبقاتی‌اند. دقیقاً به علت همین ویژگی است که بر نقش و جایگاه کارگران و زحمتکشان و به طور کلی جنبش کارگری و سندیکایی برای تأثیرگذاری در صحنه سیاسی و مقابله با استبداد و مداخله امپریالیسم باید انگشت گذاشته و آن را بازتعریف و برجسته ساخت. نگاهی به موضع‌گیری‌های سران رژیم به ویژه خامنه‌ای نشان می‌دهد که در اوضاع کنونی و در مواجهه با تحریم‌ها و اعمال سیاست فشار حداکثری دولت شبه فاشیستی ترامپ، حذف عامل مردم از معادله‌های صحنه سیاسی کلیدی‌ترین و محوری‌ترین بخش راهبرد رژیم ولایت فقیه است. امپریالیسم نیز دقیقاً در این زمینه یعنی حذف عامل مردم و نیروهای ترقی‌خواه با رژیم اشتراک منافع دارد. در هفته‌های اخیر اجرای سیاست معین رژیم و ارگان‌های امنیتی آن در قبال جنبش کارگری و دیگر گردان‌های اجتماعی را شاهد بوده‌ایم. هم‌زمان با بازداشت کارگران نیشکر هفت‌تپه که سپس با قرار وثیقه آزاد شدند، اعضای کانون نویسندگان ایران با احکامی ناعادلانه و غیرقابل‌پذیرش دستگاه قضایی فاسد رژیم روبرو شدند. پیش از آن مزدوران بسیجی به دانشجویان دانشگاه تهران یورش برده بودند. این‌گونه اقدام‌ها اجزای به هم پیوسته برنامه هدفمند رژیم برای مهار، کنترل و سرکوب جنبش‌های اعتراضی و حذف عامل توده‌ها از معادله‌های صحنه سیاسی کشور است.

بنابراین، برای تأمین حقوق و منافع سیاسی- صنفی طبقه کارگر و زحمتکشان راهی جز تشدید مبارزه به شکل‌های مختلف و با استفاده از همه روزه‌ها و شکاف‌ها وجود ندارد. تقویت و تحکیم موقعیت جنبش کارگری و سندیکایی بی‌تردید سبب افزایش قدرت مانور و جایگاه جنبش همگانی ضد استبدادی خواهد بود. این حضور یعنی مشارکت فعال توده‌ها در معادله‌های سیاسی در لحظه کنونی برای درهم شکستن استبداد مذهبی و مقابله با تحریم و جنگ‌افروزی امپریالیسم آمریکا از اهمیتی اساسی برخوردار است. فراموش نکنیم که طبقه کارگر، به لحاظ عینی و

ذهنی، در مقام ستون فقرات جنبش همگانی ضد استبدادی برای نیل به عدالت اجتماعی، حقوق و آزادی‌های دمکراتیک فردی- اجتماعی، تضمین حاکمیت و استقلال ملی می‌تواند نقش‌آفرین و تأثیرگذار باشد. از این‌رو، تشدید مبارزه به‌همراه اتحاد عمل فراگیر وظیفه درنگ‌ناپذیر مبارزان راه طبقه کارگر و سندیکالیست‌های شرافتمند کشور است. تنها در این صورت است که می‌توان با تأثیرگذاری بر معادله‌های سیاسی از تحمیل آلترناتیوهای ارتجاعی مورد نظر امپریالیسم مانع شد و از سوی دیگر مانورهای رژیم واپس‌گرای ولایت فقیه را خنثا ساخت. یادآوری این سیاست اصولی، میهنی و انقلابی حزب ما و تأکید آن بر تقویت جایگاه جنبش کارگری و سندیکایی در دل تحولات سیاسی پرشتاب کنونی پراهمیت است. حزب ما همچنان که بارها تأکید کرده خواستار تشکیل و تقویت سازمان‌های سندیکایی کارگران و زحمتکشان بوده و هست و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرده و نخواهد کرد. این درک حزب ما ناشی از این واقعیت مسلم است که یکی از جنبه‌های حیاتی تشکل سندیکایی- صنفی طبقه کارگر، علاوه بر تأمین خواست‌های رفاهی، نیاز مبرم کارگران و زحمتکشان به تأمین خواست‌های دمکراتیک عام یعنی تأمین فعالیت انجمن‌ها، سندیکاها، حزب‌ها، سازمان‌ها و همه گونه‌های دیگر حقوق و آزادی‌های دمکراتیک نظیر آزادی بیان، اندیشه، مطبوعات و اجتماعات است. حزب توده ایران بر این اعتقاد راسخ بوده و هست که فقط و فقط نیروی متشکل و سازمان‌یافته توده‌های کار و زحمت ایران ضامن تأمین سلامت مسیر در راه تحولات بنیادین ملی- دمکراتیک در راستای بهروزی مردم و نجات میهن از بختک استبداد، واپس‌گرایی، جنگ و مداخله امپریالیسم است.

به نقل از «نام» مردم»، شماره ۱۰۷۸، ۶ خرداد ماه ۱۳۹۸